

تفسیری بر دعای ندبه (جلسه چهارم)

مقدمه

اسم غالب ادعیه را اهل بیت نگذاشته‌اند؛ بلکه خود مردم و علما بر آنها نام‌گذاری کرده‌اند؛ مثلاً دعای کمیل را از این جهت که فردی به این نام آن را نقل کرده، چنین می‌خوانیم. دعای ندبه نیز وجه دارد؛ یعنی آن چیزی که بیشتر از همه در ذهن مردم تداعی می‌شود، این است که باید اینجا ندبه و گریه کرد و وجه اضطرار این دعا جدی است؛ یعنی در این دعا در نبودن حضرت، گریه و زاری وجود دارد. نکته‌ی مهم این است که کسی می‌تواند در اینجا گریه کند که این دلتنگی، سبک زندگی اوست و این فقدان را واقعاً حس می‌کند. به علاوه ما برای چیزی ضجه می‌زنیم که اهمیت آن را درک کرده باشیم. این دعا می‌خواهد به ما بفهماند که چه کسی را نداریم. اصلاً این دعا به ما یاد می‌دهد که چطور حبّ خود را با حب و محبت امام تنظیم کنیم؛ پس هرچه حبّ ما به امام بیشتر باشد، دلتنگی و ضجه‌ی ما در غیاب او بیشتر است.

سیر تمدنی دعای ندبه

همانطور که گفتیم دعا یک مسیر تمدنی دارد و جبهه‌بندی حق و باطل را به خوبی نشان می‌دهد. اگر به قرآن توجه کنید، دو جبهه بیشتر ندارد:

• ولایت الله؛

• ولایت شیطان.

بقیه‌ی احزاب ذیل این دو جبهه هستند. همه‌ی فضای قرآن همین است؛ یا نورست یا ظلمت؛ یا آب گل‌آلود یا ماء معین؛ پس برای فهم قرآن باید فضای آن را درک کنید و با این مفاهیم آشنا باشید. این دعا نیز این دسته‌بندی و سیر تاریخی آن را به خوبی نشان می‌دهد. اگر کسی این فضا را نشناسد در آخرالزمان به مشکل می‌خورد. این دعا علاوه بر مشخص کردن مسیر، پایان آن و پیروزی قطعی جبهه‌ی حق را برای ما ترسیم می‌کند. اهمیت انقلاب اسلامی هم در این

سیر مشخص می‌شود؛ زیرا بخش مهمی از این سیر است و ضربه زدن به مسیر آن، نادیده گرفتن تلاش همه‌ی انبیاء و اولیاء است. روایات بسیاری در مورد انقلاب ما و در مدح ایرانیان زمینه‌ساز ظهور وجود دارد. وجه دیگر اهمیت انقلاب این است که تا روزی که نتوانیم از جان امام محافظت کنیم، ظهوری در کار نیست؛ زیرا او بقیه‌الله است؛ پس ما باید با انقلاب اسلامی و قرار گرفتن در موقعیت‌ها و امتحانات دشوار، محافظت از امام را تمرین کنیم. ویژگی خاص این دعا این است که یک ویو و نما و رویا از پایان برای ما می‌سازد و ما با این رویا به سمت آن حرکت می‌کنیم. اصلاً مقصد، میل به حرکت را در ما ایجاد می‌کند «أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَوُمُّ الْمَلَأُ وَ قَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضَ عَدْلًا...» به همین دلیل، ما روایات بسیاری در مورد وقایع پس از ظهور داریم تا حس ظهور در ما به وجود بیاید؛ یعنی این دعا علاوه بر اصلاح عقاید ما و امام‌شناسی، حس ما را نیز درگیر می‌کند (شور و شعور در کنار هم). ما همیشه در بررسی جهان‌بینی مبدأ، مقصد، روش، وسیله و راهنمای راه را بررسی می‌کنیم. این دعا علاوه بر گفتن مبدأ و مقصد، مبتنی بر راهنما و تفسیر راهنماست. به علاوه این دعا به نوعی زیارت‌نامه‌ی خود حضرت مهدی است و در یکی از نسخ به خواندن نماز زیارت پس از آن توصیه شده است.

بررسی بخش اول دعا

دعا با این عبارت شروع می‌شود: «الحمد لله رب العالمین...» این عبارت، خطبه‌ی دعاست. امام صادق فرمودند: «دعایی که قبل از آن حمد خدا نباشد، ابتر است...» (الکافی، ج ۲، ص ۵۰۳) این فرمول خداست. خودش فرموده اینگونه با من حرف بزنید.



✓ حمد

حمد یعنی تعریف از کار اختیاری؛ چون حُسن در اختیار است؛ مثلاً کسی آه‌ن را به خاطر استحکام آن حمد نمی‌کند؛ اما شما از کسی که خیری به شما رسانده، تشکر می‌کنید؛ چون می‌توانست آن را انجام ندهد. چرا در ابتدای دعا می‌گوییم «الحمد لله»؟ بابت چه خدا را حمد می‌کنیم؟ از فرازهای بعدی دعا می‌فهمیم که این حمد برای نعمت امام است. «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰی مَا جَرٰی بِهٖ قَضَاؤُكَ فِیْ اَوْلِیَائِكَ الَّذِیْنَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِیْنِكَ...»

«ال» الحمد لله «ال» جنس است؛ یعنی جنس حمد برای پرودگار است و ستایش مخصوص اوست و برای کسی دیگر نیست؛ یعنی کسی جز خدا نمی تواند به دیگران فیض دهد. حمد ما از دیگران هم به خدا بر می گردد؛ چون منشأ اوست.

✓ رب

رب یعنی مدبر، همه کاره، مربی و مدیر. ما دو نوع ربوبیت داریم:

۱. تربیت (ربوبیت) تکوینی: مانند شیر دادن مادر به بچه. در دعا اینگونه والدین خود را دعا می کنیم: «قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا» این نوع تربیت، مؤمن و کافر نمی شناسد و برای همه یکسان است و حتی ما در این بخش با حیوانات یکی هستیم.
۲. تربیت (ربوبیت) تشریحی: نزول قرآن، ارسال رسل، احکام شریعت و... جزء تربیت تشریحی است تا ما را تربیت و آدم کند.

✓ عالمین

عالمین یعنی عوالم، عالم های مختلف؛ مثلاً از حیث هستی شناسی می گوئیم عالم ملکوت، جبروت، لاهوت و ناسوت؛ یا مراحل هستی شامل عالم ذر، دوره ی جنینی، حیات دنیا وبرزخ است. خدا ربّ همه ی این عوالم است. این عوالم نسبت به یکدیگر الزاماً تأخر و تقدّم زمانی ندارند؛ زیرا زمان، مسئله ای اعتباری و ساخته ی خود ماست؛ یعنی زمان براساس عواملی قبض و بسط پیدا می کند و این در علم فیزیک اثبات شده است. عوالم بر هم محاط هستند یا از زاویه ای دیگر موازی یکدیگر و در جریان اند. اتفاقات همه ی عوالم همزمان در حال رخ دادن است؛ یعنی ما همین حالا در برزخ هستیم. برای همین خدا در قرآن در برخی آیات با اینکه از گذشته حرف می زند، فعل مضارع به کار می برد؛ یعنی آن واقعه هنوز ادامه دارد و در حال وقوع است.

مضامین مهدوی سوره ی کهف

خدا را شکر، ما از شرک و اعتقاد به رب النوع ها مبری هستیم؛ اما مردم در گذشته برای هر چیز ربّی قائل بودند و «الله» را ربّ الارباب می دانستند. در آخرالزمان نیز این شرک به نحوی دیگر در شیطان پرستی ظهور پیدا می کند؛ البته گاهی نام آن را عوض می کنند و نام عرفان بر آن می گذارند تا افراد بیشتری جذب آن شوند. در چنین شرایطی و در آخرالزمان کسانی در امانند که در ولایت اهل بیت و در اصطلاح قرآنی بیرون از دو سد هستند. خدا در دو سوره به این دو

سد اشاره می‌کند، سوره‌ی یس و سوره‌ی کهف. خدا در سوره‌ی کهف هنگام شرح ماجرای ذوالقرنین به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: «ذوالقرنین به قومی رسید که بیرون دو سد بودند، اینها منتظران موعودند»؛ اما چه کسانی بین دو سد بودند؟ براساس روایاتی که در تفسیر این آیات ذکر شده‌اند باید گفت، کسانی که ولایت امیرالمؤمنین را قبول نکردند. سوره‌ی کهف سوره‌ای با مضامین مهدوی است. در ابتدا داستان اصحاب کهف را ذکر می‌کند که ویژگی آنها عمر طولانی است؛ سپس به داستان حضرت خضر می‌پردازد که در نظام سبب و اسباب، جایگاهی ویژه دارد و علمی دارد که پیامبر اولوالعزم (حضرت موسی) دلیل کارهای او را نمی‌فهمد؛ سپس داستان ذوالقرنین را بیان می‌کند که شرق و غرب زمین را می‌گیرد. از مجموع همه‌ی این داستان‌ها و آیات، ما به ظهور امام‌زمان می‌رسیم؛ یعنی خدا می‌خواهد به ما بگوید ظهور امام‌زمان و ویژگی‌های او بعید و دور نیست. این سوره و بطن و تفاسیر آن از معجزات قرآن است. امام‌حسن‌عسکری فرمودند: «مَثَلُ فِرْزَنَدِم مَهْدِي فِي مِثْلِ خُضْرٍ وَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ اسْت...» (کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۸۱)

یعنی خود اهل‌بیت هم به ما کد داده‌اند. به علاوه ذوالقرنین دو گروه را به هم پیوند داد، قوم ماد و پارت را. امام‌زمان هم دو گروه (بنی‌اسرائیل و بنی‌اسماعیل) را دوباره به هم می‌رساند؛ چون امام از سمت مادری از بنی‌اسرائیل و از سمت پدری بنی‌اسماعیلی است. در یهود نَسَب از مادر منتقل می‌شود و در اعراب از پدر؛ یعنی امام‌زمان حاصل یک اتفاق جهانی است و همه‌ی اقوام و ملل داشته‌های خود را در وجود مقدس او می‌بینند.

سخنرانی استاد رائفی‌پور

موضوع: تفسیری بر دعای ندبه (جلسه چهارم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی‌پور، تیر ۱۴۰۱ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdian](https://www.mahdian.com)